

ایران در هفته‌ای گذشت!

(۲۶)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

۴۰ روز شرکت اجباری در نماز جمعه؟!!

محکومیت جوانان به شرکت در نماز جمعه را می‌توان یکی از شیوه‌های جدید شکنجه در جمهوری اسلامی نامید. شاید ممکن است یکی از عجیب‌ترین مسائل جهان. اما، به هر حال هر چیز در حاکمیت خونین جمهوری اسلامی واقعیت دارد، چرا که این رژیم، بیش‌تر به موزه گورستان تاریخ شباهت دارد که هر نوع چیزهای عجیب و غریب را می‌توان در آن جا پیدا کرد.

قاضی عرفان، ادعا کرده است که: براساس محتویات پرونده، متهمان به علت شرارت، نزاع جمعی و بر هم زدن نظم و امنیت عمومی به مجازات حبس محکوم شده‌اند که با توجه به نداشتن سابقه کیفری و کم سن و سال بودن متهمان، محکومیت حبس آنان تعلیق شده است.

شعبه ۱۶۱۲ دادگاه عمومی تهران تصریح کرد: ... به مدت یک سال از رفت و آمد در محل نزاع ممنوع هستند و به منظور تقویت اعتقادات دینی و اخلاقی آنان باید به مدت چهل روز متوالی در مسجد سکونت خود حاضر و در صفوف نماز جمعه شرکت کنند. قاضی عرفان افزود: اجرای احکام باید حضور آنان را در مسجد با گواهی امام جماعت تایید کند.

اظهارات این قاضی جنایت کار نشان می‌دهد که ظاهراً این جوانان بر سر «نزاع دسته جمعی و بر هم زدن نظم و امنیت»، دستگیر شده‌اند، احتمالاً این جوانان با گروهی حزب‌اللهی درگیر شده‌اند و به احتمال قوی آخوند و قرآن و نماز و دین را به مسخره گرفته‌اند، به شرکت در نماز جمعه وادار می‌شوند. شرکت اجباری این جوانان در نماز جمعه، یک نوع شکنجه روحی و روانی جدیدی است که کارشناسان اطلاعاتی جمهوری اسلامی، بر جوانان کم و سن سال تحمیل می‌کنند تا از یک سو آنان را مرعوب سازند و از سوی دیگر آنان را به زور به مسجد و نماز و خرافات بکشند. مدت‌هاست که از رهبر و رییس جمهور گرفته تا امام جمعه‌ها از عدم شرکت مردم در نماز جمعه‌ها، به ویژه جوانان و دور شدن آن‌ها از خرافات مذهبی هشدار می‌دهند.

خلخالی: سریع شمشیرمان را می کشیم

صادق خلخالی، آخوندی که به جنون آدم کشی مبتلاست، با دستور مستقیم روح الله خمینی، بنیان گذار رژیم مرتجع و وحشی جمهوری اسلامی، دسته دسته مخالفین را اعدام کرد و به ویژه در کردستان حتا بدون کوچک ترین سؤال و جوابی به هر کسی را که مشکوک می شدند به گلوله می بستند و یا حلق آویز می کردند.

خلخالی، پس از انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶، مانند بسیاری از هم کیشان خود نظیر موسوی تبریزی، موسوی اردبیلی، ججاریان و غیره به جبهه به اصطلاح «اصلاح طلبان دوم خردادی» پیوست.

خلخالی، چند روز پیش در گفت و گویی با روزنامه اعتماد گفت: وقتی کار به آن جا رسید که انقلاب

در خطر است، در آن جا دیگر فرقی نمی کند، ما باز همان آدم هستیم و سریع شمشیرمان را می کشیم و به مخالفان حمله می کنیم».

از خلخالی سؤال شد، «آیا از اعمال اول انقلاب خود راضی هستید؟» در جواب گفت: بله، از اساس آن راضی هستم».

در واقع جناحی که به فرقه های ۱۸ گانه «دوم خرداد» معروفند، کارنامه شان دست کمی از کارنامه جناح رقیب شان ندارد. اساس اختلاف دو جناح رژیم، بر سر تقسیم قدرت و ثروت های باد آورده است. هر دو جناح رژیم، کارنامه سیاهی دارند و مردم آزادی خواه و مترقی و به ویژه کارگران و مردم محروم و تحت ستم بر علیه کلیت رژیم و برای سرنگونی آن مبارزه می کنند.

مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا

کریس پاتن، کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا در سفر اخیر خود به تهران، گفته است که اتحادیه اروپا انتظار دارد در مقابل سیاست تماس سازنده با ایران، نتایج ملموسی در زمینه هایی مانند بهبود حقوق بشر در این کشور به دست آید.

مذاکره بین اتحادیه اروپا و ایران، برای توسعه و گسترش همکاری های اقتصادی و تجاری در ماه دسامبر ۲۰۰۲ آغاز شد.

کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا، که برای نخستین بار به عنوان نماینده اتحادیه اروپا در روابط خارجی از ایران بازدید می کند، این موضع اتحادیه را تکرار کرد که گسترش روابط اقتصادی به پیشرفت در راستای حقوق بشر در جمهوری اسلامی بستگی دارد.

وی همچنین از دولت ایران خواست تا امکان دسترسی بیش تر بازرسان بین المللی به تاسیسات هسته ای این کشور را فراهم آورد و از گروه های اسلامی فلسطینی حمایت نکند.

آیت الله شاهرودی رییس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، در دیدار با کمیسر اتحادیه اروپا، گفت: جمهوری اسلامی به دنبال تعیین مجازات جایگزین برای سنگسار است. شاهرودی، در این دیدار بی شرمانه اعا کرد که، «جو ایجاد شده درباره توقیف مطبوعات به دلیل فضا سازی مخالفان نظام است. وی، افزود: آنان (مخالفان) نظام را متهم به غیرمردمی بودن می کنند، در حالی که مردم ایران نه تنها در انتخابات مختلف آرا و نظرات خود را آزادانه اعلام می کنند، بلکه در تمام مسایل اجتماعی و سیاسی، حضوری چشم گیر دارند. شاهرودی، زمانی این ادعا را می کند که گنبدگی و جنایت رژیم شان از جمله قوه قضائیه که هر روز به صدور اعدام، شلاق، درآورن چشم، بریدن دست و پا، بستن روزنامه ها و زندانی کردن روزنامه نگاران، ربودن و تهدید و ترور نویسندگان و حتا به صدور فتوای مخفی ترور مشغول است، تمام جهان را پر کرده است، این چنین بی شرمانه و وقیحانه جنایاتی را که در روز روشن انجام می دهند، «شایعات مخالفان» می نامد.

لازم به یادآوری است که اتحادیه اروپا هیچ گاه به طور جدی و پیگیر جمهوری اسلامی را در رعایت حقوق بشر، تحت فشار قرار نداده است. از این رو تاکید اتحادیه اروپا بر «رعایت حقوق بشر»، توجیهی برای گسترش روابط و مناسبات اقتصادی و سیاسی اش با این رژیم وحشی و جنایت کار بیش نیست.

خودکشی یک دختر دانش آموز به علت اخراج از مدرسه

یکی از سایت های اینترنتی ایران، پیرامون خودکشی این دختر دانش آموز نوشت: روز سه شنبه یکی از دانش آموزان یک مدرسه راهنمایی دخترانه، خود را از روی پل شادمان به پایین پرتاب کرد. این اتفاق زمانی افتاد که چند نفر از بچه ها به ناظم مدرسه گزارش دادند که این دختر یک «سی دی» به همراه خود به مدرسه آورده است. ناظم مدرسه بدون این که «سی دی» یاد شده را ببیند به این دانش آموز گفته بود که به دلیل این کار از مدرسه اخراج است و به پدر و مادر وی نیز اطلاع خواهد داد. این دانش آموز دختر که در کلاس سوم راهنمایی درس می خواند و از شاگردان ممتاز مدرسه نیز بود، پس از تعطیلی مدرسه خود را از بالای پل شادمان که در نزدیکی محل مدرسه قرار داشت به پایین پرتاب کرد. هنوز خبری از وضعیت جسمانی وی که بلافاصله به بیمارستان برده شد در دست نیست.

این یک نمونه کوچکی از هزاران اتفاقی است که در مدارس جمهوری اسلامی، توسط مدیران حزب الهی بر دانش آموزان به ویژه دانش آموزان دختر اعمال می شود.

ادامه اعتصاب کارگران نختاب

اعتصاب کارگران نختاب تبریز، از دو هفته پیش آغاز شده است هنوز ادامه دارد. در این مدت کارگران اعتصابی از سوی کارفرما و رژیم بارها تهدید به اخراج شده‌اند. آنان خواهان دستمزد ۷ ماهه معوقه خود هستند. کارگران اعتصابی اعلام کرده‌اند که تا رسیدن به مطالبات خود، هم‌چنان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان تعطیل شده قم

جمعی از کارکنان بیمارستان تعطیل شده بیمارستان بهشتی قم، در مقابل استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

یکی از تجمع‌کنندگان به خبرنگار خبرگزاری دانش‌جویان ایران گفت: حدود دو سال است که حقوق پرسنل را نداده‌اند و در این رابطه ۴۰۰ میلیون تومان چک اختصاص یافته که این چک‌ها نیز برگشت خورده و هیچ‌کس پاسخ‌گوی مشکلات ما نیست. وی در ادامه سخنانش گفت: ما برای رفع مشکلات مان به مراکز متعددی مراجعه کرده‌ایم که تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم.

یکی دیگر از تجمع‌کنندگان گفت: به دلیل این که خرج مدرسه فرزندان مان را نداریم، آن‌ها را از رفتن به مدرسه منع کرده‌ایم، آیا کسی نباید جواب‌گوی ما باشد.

تجمع‌کننده دیگری گفت: این بیمارستان ۲۱۵ کارمند رسمی و ۳۰۰ کارمند قراردادی دارد و تا زمانی که حق و حقوق مان را نگیریم به تجمع خود ادامه خواهیم داد.

از سوی دیگر محمدی فر فرماندار قم، بی‌شرمانه گفت: این تجمع به فرمانداری ربطی ندارد و ما جواب‌گو نیستیم.

کم‌تر از ۱۵ درصد از کارگران، به شکل‌های دست ساخته رژیم، توهم دارند؟!!

اخیرا مطرح شده است که تشکل‌های دست ساخته رژیم، نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، کم‌تر از ۱۵ درصد از کارگران را نمایندگی می‌کنند. حقیقت امر این است که رژیم جمهوری اسلامی، از یک طرف با سرکوب مداوم فعالین جنبش کارگری و از طرف دیگر تمام توان خود را به کار انداخته است تا تشکل‌هایی را در درون جنبش کارگری بسازد که وظیفه اساسی این تشکل‌ها کنترل جنبش کارگری و خنثی کردن حرکت‌های مستقل کارگری است. با این وجود بعید به نظر می‌رسد که حتا ۱۵ درصد از کارگران نیز به تشکل‌های رژیم که کارشان لو دادن کارگران فعال و کمونیست است باور کرد، با این وجود این آمار باز هم شکست بزرگی برای جمهوری و موفقیت چشم‌گیری برای جنبش

کارگری محسوب می شود.

محسن ایزدخواه، کارشناس روابط کار در گفت و گو با ایسنا، با اعلام این که در حال حاضر حدود ۴۷۵ هزار کارگاه در کشور وجود دارد که تشکل های صنفی کارگری موجود، نمایندگی کم تر از ۱۵ درصد جامعه کارگری را در اختیار دارند.

وی تاکید کرد: بخش عظیمی از جامعه کارگری ایران تشکلی صنفی برای دفاع از حقوق خود ندارند. این بررسی نشان می دهد که فقط گروه بسیار کوچکی از کارگران به رژیم جمهوری اسلامی متوهم هستند، در حالی که بخش عظیم کارگران ایران، نه تنها جمهوری اسلامی را نمی خواهند بلکه به طور مداوم در تلاشند تشکل های مستقل خود را بسازند و در فرصت های تاریخی پیش آمده تشکل های توده ای مستقل از جمله شوراهای خود را به وجود آورند.

تورم دست های دختران دانش آموز روستای «اسلام آباد» سردشت

یکی از روزنامه های جمهوری اسلامی، در رابطه با جنایتی که رژیم جمهوری اسلامی، در روستای اسلام آباد آفریده است، نوشت، تلفن های روستای اسلام آباد سردشت جواب نمی دهد، بوق عجیب و غریب می زند، نه اشغال است نه صدای ممتد بوق شنیده می شود. شایعات می گوید که روستا بایکوت خبری شده و هیچ خبرنگاری حق حضور در آن منطقه را ندارد.

سرپرستان تیم های پزشکی که بیماری عجیب دختران سردشتی را مورد آزمایش قرار داده اند همه به اتفاق می گویند که آن ها دچار یک بیماری دسته جمعی شده اند.

تعدادی از این دختران همراه با والدین خود چند روز است که جلو وزارت بهداشت تجمع کرده اند و بعد هم به نمازخانه وزارت بهداشت هدایت شده اند.

خبرنگار یکی از روزنامه ها که پس از ساعت ها معطلی توانسته است با دکتر مهام، معاون وزیر بهداشت گفت و گو کند. دکتر مهام، به این خبرنگار می گوید: خیلی ها می خواهند از این مسائل سوء استفاده کنند. در حالی که موضوع بیماری این بچه ها چندان هم عجیب نیست، قبلا هم در برخی از مناطق کشور چنین اتفاقی افتاده است...

معاون وزیر، ادعا می کند که بیماری این دختران مهم نیست و استرس و تلقین عامل آن است و به مرور زمان بهتر می شود. پرسیدنی است اگر چنین است چرا ورود خبرنگاران را به روستای «اسلام آباد» ممنوع کرده اند؟ چرا مسئولین رژیم، با گذشت نزدیک به یک سال از بروز بیماری این دختران، آن را هم چنان مخفی نگاه می دارند و حتا نتیجه آزمایش های انجام شده را نیز به اطلاع آن ها و والدین شان نمی رسانند؟!

این خبرنگار، موقعیت دختران متحصن را چنین توصیف می کند: ... مردهای ممکن است این میزان

گروه، گوشه و اطراف دراز کشیده‌اند و گاهی به زبان کردی چیزی می‌گویند آهسته و یواش. پرده سبز رنگی زنان و دختران را از مردها جدا کرده است، قسمت زنان قابل رویت نیست. همراه با دکتر اعیانی وارد نمازخانه می‌شویم... پرده سبز را کنار می‌زنم. موجی از هوای دم کرده به صورتم می‌خورد. دخترهایی که روی زمین دراز کشیده‌اند با صدای کشیده شدن پرده به طرفم هجوم می‌آورند. فرصت می‌کنم دوباره پرده را کنار بکشم. آن‌ها انگار که آشنایی پیدا کرده‌اند به سرعت دست‌هایشان را جلو می‌آورند. دست‌های ورم کرده‌ای که در نگاه اول تو را چنان بهت زده می‌کند که شک می‌کنی آیا تورم با آویزان کردن دست و تلقین به وجود بیاید؟! چشم‌ها و موهای روشن با پوست شفاف و گونه‌های گل انداخته آن‌ها با دستانی که از شدت ورم به زردی می‌زند در تضاد قرار دارند.

شکوفه می‌گوید: فروردین ماه بود که یک آن احساس کردم دستم ورم کرده است. هر روز بدتر از روز قبل شدم. به پزشکان زیادی مراجعه کردیم اما چیزی دستگیرمان نشد. فکر کردیم شاید چیزی باشد که می‌خواهند از ما پنهان کنند! رفتیم پیش پزشکان عراقی. آن‌جا گفتند مربوط می‌شود به واکسن سرخجه‌ای که در زمستان سال قبل به ما تزریق شده است. پزشکان این‌جایی می‌گویند اصلاً نباید پیش پزشکان عراقی می‌رفتید چون داروهایی که آن‌ها به شما داده‌اند استاندارد نیست و وضعیت را بدتر از قبل می‌کند. ریزان، شادی، سیلوای و فاطمه ساکتند به جای آن‌ها شکوفه تند و تند حرف می‌زند: این‌ها می‌گویند بیماری مال واکسن سرخجه نیست. اما برادر من که واکسن نزده دستش ورم نکرده اما من که واکسن زده‌ام، دستم ورم کرده است. یعنی شما می‌گویید که دست‌های ما خوب می‌شود؟ یکی از دخترها که از گفتن اسمش امتناع می‌کند، می‌گوید: ما به خیلی‌ها مراجعه کردیم، به تمام مراکزی که نزدیک روستا بود. بعضی از مراکز می‌گفتند شما دبه درآورده‌اید می‌خواهید با این کار برای روستایتان امتیاز بگیرید. بیماری را بهانه کرده‌اید، آخر شما بگویید کسی حاضر است خودش را مریض کند؟ ما با این دست‌ها کار می‌کنیم، زندگی مان بدون این دست‌ها نمی‌چرخد ما که زندگی خودمان را فلج نمی‌کنیم و دیگری حرفش را قطع می‌کند: می‌گویند تا حالا ۵۰ میلیون خرج ما کرده‌اند. پس چرا دست‌های ما خوب نمی‌شود. از چند روز پیش که آمده‌ایم این‌جا، هیچ آزمایشی به روی ما انجام نشده است. نتایج آزمایش‌های قبلی را هم به ما اعلام نکرده‌اند. سیلوای می‌گوید: ما درس و مدرسه داریم. از کلاس‌هایمان عقب افتاده‌ایم. صبح هم نماینده دفتر ریاست جمهوری آمد و کمی با ما گفت و گو کرد و رفت. معلوم نیست اگر برویم دوباره می‌توانیم برگردیم یا نه. یا دوباره به ما اجازه می‌دهند اعتراض کنیم یا نه...

یکی از مردها می‌گوید: آمدن ما به این‌جا (تهران) خیلی ساده نبود، به زحمت خانواده‌ها را راضی کردیم که نفری سه هزار تومان پول بلیت بدهند، سه هزار تومان برای یک روستایی پول کمی نیست. در شماره قبل تحلیل هفته (۲۵) در مورد این که ۷۴ دختر از روستای «اسلام آباد»، به این بیماری

ناشناخته مبتلا شده‌اند را خوانده بودید که ۱۵ دختر متحصن، همراه با والدین شان در وزارت بهداشت جمهوری اسلامی، به نمایندگی از همه دختران مدرسه‌ای که به این بیماری مبتلا شده‌اند، به تران آمده و در وزارت بهداشت دست به تحصن زده‌اند. اکنون آنان، با قول مسئولین جمهوری اسلامی، مبنی بر پیگیری معالجه مبتلایان، به تحصن خود خاتمه دادند.

رژیم، به ادامه این وضعیت و طرح آن در رسانه‌های گروهی نگران است. گفته می‌شود که در مجلس شورای اسلامی، کمیته ویژه‌ای برای پیگیری این مسئله تشکیل شده است. بدین ترتیب همه این وقایع حاکی از آن است که کاسه‌ای زیر نیم کاسه است و احتمالاً دارویی را بر روی این دختران تست شده است که سبب بیماری ناشناخته در آن‌هاست.